

زمان پیشنهادی: ۲۵ دقیقه

درس‌های ۱.۲ و ۱۷ تا ۲۴ زبان فارسی ۲

دوستان خوب توجه داشته باشید که این تست‌ها و پاسخ‌هایشان، پس از مطالعه‌ی مباحث مربوط به آن‌ها، از کتاب زبان فارسی نشر دریافت برای شما بسیار سودمندتر و مفهوم‌تر خواهند بود.

۱- اگر «ص» نشانه‌ی صامت و «م» نشانه‌ی مصوّت و علامت ممیز (/) برای تفکیک هجاها باشد، ساختار واجی کدام واژه‌ی

زیر، با الگوی روبه‌رو مطابقت ندارد؟
 (۱) آینه (۲) قوانین (۳) تاریخچه (۴) هزارپا
 ص + م / م + ص / ص + م + ص / م + ص

۲- گروه اسمی «منشور حقوق بشر کوروش بزرگ» از چند صامت و چند مصوت ساخته شده‌است؟

(۱) ۱۷-۱۴ (۲) ۱۸-۱۴ (۳) ۱۷-۱۳ (۴) ۱۸-۱۳

۳- در کدام گزینه واژه‌های متشابه به کار رفته‌است؟

(۱) هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد / خدش در همه حال از بلا نگه‌دارد
 (۲) جهان به دست تو دادند تا ثواب کنی / خطا ز سر بنهی، روی در صواب کنی
 (۳) دلی که غیب‌نمای است و جام‌جم دارد / ز خاتمی که دمی گم شود چه غم دارد
 (۴) سال‌ها دل طلب جام‌جم از ما می‌کرد / آن‌چه خود داشت ز بیگانه تمنّا می‌کرد

۴- عبارت زیر از چند جمله‌ی مستقل تشکیل شده‌است؟

اگر کسی از ما بپرسد «امروز به کجا می‌روی» و ما در پاسخ بگوییم «شیشه شکستی است»، قواعد کاربردی زبان را زیر پا گذاشته‌ایم.

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۵- در عبارت «اگر بر دشت باران بیارد و گرد و غبار فرونشیند مهم‌ترین نهاد اجتماعی خانواده است.» کدام یک از قواعد

زبان رعایت نشده‌است؟

(۱) هم‌نشینی (۲) نحوی (۳) معنایی (۴) کاربردی

۶- در عبارت «درباره‌ی نخستین سرایندگان پارسی گوی روایات گوناگون و ناهماهنگی در دست است» به ترتیب چند واژه و

چند تک‌واژ دیده می‌شود؟

(۱) ۱۴-۲۴ (۲) ۱۳-۲۶ (۳) ۱۲-۲۷ (۴) ۱۳-۲۸

۷- در جمله‌ی «در این روزگار مردم به زبان پارسی رایج در خراسان، مرکز اندیشه و فرهنگ آن زمان، مشتاقانه توجه

داشتند و جاذبه‌ای روحی آنان را با زبان مادری‌شان همراه می‌کرده‌است.» چند تک‌واژ وابسته‌ی اشتقاقی به چشم

می‌خورد؟

(۱) ۸ (۲) ۹ (۳) ۱۰ (۴) ۱۱

۸- شمار تک‌واژه‌های کدام گزینه بیشتر است؟

(۱) طبع آزمایی در انواع متفاوت شعر گذشتگان
 (۲) پیشاهنگان نامدار شعر و ادب پارسی
 (۳) آیینی تمام‌نمای آرمان‌ها و آرزوهای ایرانیان
 (۴) پاس داشت هنروران و دانشمندان پرآوازه

۹- ساختار کدام واژه با الگوی روبه‌رو مطابق نیست؟ «اسم + ه ← اسم»

- (۱) پویه (۲) پایه (۳) لبه (۴) گوشه

۱۰- در میان واژه‌های «سرایدار، ددمنش، پرانگیزه، دلارام، هم‌نوایی، صورتگری» چند واژه‌ی «مشتق- مرکب» دیده‌می‌شود؟

- (۱) یک (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۱۱- مراحل تجزیه‌ی واژه‌ی «ناخداترسان» در کدام گزینه درست مشخص شده‌است؟

- (۱) ناخداترس + ان ← نا + خداترس ← خدا + ترس
 (۲) ناخداترس + ان ← ناخدا + ترس ← نا + خدا
 (۳) نا + خداترسان ← خدا + ترسان ← ترس + ان
 (۴) نا + خداترسان ← خداترس + ان ← خدا + ترس

۱۲- کدام واژه را می‌توان به دو شکل تجزیه کرد؟

- (۱) دست و دل‌بازی (۲) ناتوانی (۳) ناسازی (۴) ناهمخوانی

۱۳- در عبارت: «جنایتکاران که ارزش انسان را نادیده می‌گیرند، می‌خواهند وجدان ناراحت و درون پرغوغا و چندشناک

خود را با شب‌نشینی‌ها، با نواختن موسیقی و باده‌گساری آسوده و آرام سازند.» به‌ترتیب چند واژه‌ی مرکب، مشتق-

مرکب و مشتق، دیده‌می‌شود؟

- (۱) ۵، ۳، ۲ (۲) ۶، ۲، ۲ (۳) ۵، ۴، ۱ (۴) ۶، ۳، ۱

۱۴- نوع دستوری تکواژ دوم کدام واژه‌ی مرکب زیر متفاوت است؟

- (۱) گرانبار (۲) زیانبار (۳) مرگ‌بار (۴) نفرت‌بار

۱۵- در میان واژه‌های «پوشالی، توخالی، چگالی، رندانه، دُرَدانه، کلوجه، سراچه، زبان‌بازی، بی‌چارگی، دلارام، سرسرا،

سرشماری، سراب و سروان» به‌ترتیب چند واژه‌ی ساده، مشتق، مرکب و مشتق- مرکب دیده‌می‌شود؟

- (۱) ۲، ۴، ۶، ۲ (۲) ۳، ۵، ۳، ۳ (۳) ۳، ۵، ۴، ۲ (۴) ۳، ۳، ۶، ۲

۱۶- در تمام گزینه‌های زیر، به‌جز..... هنگامی که دو تکواژ در کنار هم قرار بگیرند، معمولاً در تلفظ واژه‌ی ساخته شده،

فرایند «ادغام» روی می‌دهد.

- (۱) خواست + گار (۲) قند + دان (۳) زود + تر (۴) یک + گانه

۱۷- تلفظ کنونی واژه‌های «قلمو، شاباش، گلنار» به‌ترتیب حاصل کدام فرآیندهای آوایی است؟

- (۱) کاهش، ابدال، کاهش (۲) کاهش، افزایش، ابدال (۳) ادغام، کاهش، افزایش (۴) ادغام، کاهش، کاهش

۱۸- «مکاتیب» جمع کدام واژه است؟

- (۱) مکتب (۲) کاتب (۳) مکتوب (۴) کتابت

پاسخ کلیدی

۱ (۴)	۲ (۳)	۱ (۲)	۲ (۱)
۴ (۸)	۱ (۷)	۲ (۶)	۴ (۵)
۴ (۱۲)	۱ (۱۱)	۱ (۱۰)	۱ (۹)
۱ (۱۶)	۳ (۱۵)	۱ (۱۴)	۲ (۱۳)
		۳ (۱۸)	۴ (۱۷)



«درباره‌ی» یک حرف اضافه‌ی مرکب است و کسره در پایان آن جزئی از واژه است نه کسره‌ی اضافه و صفت؛ بنابراین، تکواژ وابسته به‌شمار می‌آید نه یک واژه‌ی جداگانه.

«ی» در پایان «پارسی‌گوی» بخشی از بن مضارع است و تکواژ جدایی به‌حساب نمی‌آید.

۷- گزینه‌ی ۱

- ۱- «گار» در «روزگار» ۲- «ی» در «پارسی» ۳- «ه» در اندیشه ۴- «انه» در «مشتاقانه»
 ۵- «ی» در «روحی» ۶- «ی» در «مادری» ۷- «هم» در «همراه» ۸- «ه» در «کرده»



«ه» در «جاذبه»، نشانه‌ی تأنیث عربی است و در زبان پارسی تکواژ به‌شمار نمی‌آید.

«ی» در «جاذبه‌ای»، نشانه‌ی نکره است و تکواژ وابسته‌ی تصریفی به‌شمار می‌آید.

«ان» در پایان «آنان»، نشانه‌ی جمع است و تکواژ وابسته‌ی تصریفی به‌شمار می‌آید.

۸- گزینه‌ی ۴

گزینه‌ی نخست: طبع + آزما + یی + در + انواع + متفاوت + شعر + گذشت + ه + گان \Leftarrow ۱۳ تکواژ
 گزینه‌ی دوم: پیش + آهنگ + ان + نام + دار + شعر + و + ادب + پارس + ی \Leftarrow ۱۳ تکواژ
 گزینه‌ی سوم: آینه + ی + تمام + نما + ی + آرمان + ها + و + آرزو + ها + ی + ایران + ی + ان \Leftarrow ۱۴ تکواژ
 گزینه‌ی چهارم: پاس + داشت + هنر + ور + ان + و + دان + ش + مند + ان + پر + آواز + ه \Leftarrow ۱۵ تکواژ

- ۹- گزینه‌ی ۱ پویه: پو (بن مضارع مصدر پویدن) + ه (پس‌وند) پایه: پا (اسم) + ه (پس‌وند)
 لبه: لب (اسم) + ه (پس‌وند) گوشه: گوش (اسم) + ه (پس‌وند)



با افزوده‌شدن پس‌وند «ه» به بن مضارع برخی از فعل‌ها، اسم ساخته می‌شود. این اسم‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- اسم‌هایی که بر عمل مربوط به آن فعل دلالت دارند (اسم مصدر)؛ نمونه:

خند + ه \leftarrow خنده گری + ه \leftarrow گریه اندیش + ه \leftarrow اندیشه لرز + ه \leftarrow لرزه
 پوی + ه \leftarrow پویه پُرس + ه \leftarrow پُرسه نال + ه \leftarrow ناله ستیز + ه \leftarrow ستیزه

۲- اسم‌هایی که بر وسیله‌ی انجام آن عمل (اسم ابزار) یا هرچه با آن عمل در ارتباط است، دلالت می‌کنند؛ نمونه:

مال + ه \leftarrow ماله گیر + ه \leftarrow گیره کوب + ه \leftarrow کوبه رسان + ه \leftarrow رسانه
 پوش + ه \leftarrow پوشه تاب + ه \leftarrow تابه آویز + ه \leftarrow آویزه آمیز + ه \leftarrow آمیزه
 گزین + ه \leftarrow گزینه نما + ه \leftarrow نمایه افشان + ه \leftarrow افشانه (اسپری)
 افشُر + ه \leftarrow افشُرِه (عصاره)

با افزوده شدن پسوند «ه» به یک اسم، اسم جدیدی ساخته می‌شود که معمولاً از جهاتی با اسم قبلی همانندی دارد؛



نمونه:

شاخ + ه ← شاخه	زمین + ه ← زمینه	شمس + ه ← شمسه	گوش + ه ← گوشه
چشم + ه ← چشمه	دماغ + ه ← دماغه	ریش + ه ← ریشه	دهان + ه ← دهانه
دندان + ه ← دندانه	زبان + ه ← زبانه	لب + ه ← لبه	

(با برخی دیگر از اعضای بدن نیز اسم‌هایی ساخته شده‌است، من از گوش تا دهان پیش آمدم، ادامه‌اش را نقطه‌چین گذاشتیم که به‌عهده‌ی خودتان!)

۱۰- گزینه‌ی ۱ سرایدار: سرای (آ) + دار (آ) ← مرکب
 ددمنش: دد (آ) + منش (آ) ← مرکب (دد: وحشی)
 پرانگیزه: پر (آ) + انگیز (آ) + ه (و) ← مشتق- مرکب
 دلارام: دل (آ) + آرام (آ) ← مرکب
 هم‌نوایی: هم (و) + نوا (آ) + ی (و) ← مشتق
 صورتگری: صورت (آ) + گر (و) + ی (و) ← مشتق
 برابری: بر (آ) + ا (و) + بر (آ) + ی (و) ← مشتق- مرکب

«ی» در پایان «سرای» جزئی از واژه است و تکواژ به حساب نمی‌آید.



اصولاً صامت «ی = y» هرگز تکواژ نیست اما مصوت «ی = i» می‌تواند تکواژ باشد.



«بر» در «برابر» یعنی «کنار و پهلو» و «برابر» در اصل یعنی کنار به کنار، پهلو به پهلو.



۱۱- گزینه‌ی ۱ «ان» در واژه‌ی «ناخداترسان» مفهوم جمع دارد و تکواژ تصریفی است، بنابراین ابتدا باید «ان» جمع را از

واژه جدا کنیم؛ پس گزینه‌های ۳ و ۴ رد می‌شوند.

مفهوم «ناخدا» (هدایت‌کننده‌ی کشتی) در واژه‌ی ناخداترس (= خداناترس) وجود ندارد، پس گزینه‌ی دوم هم رد می‌شود و فقط می‌ماند گزینه‌ی نخست.

۱۲- گزینه‌ی ۴ دست‌ودل‌بازی: دست‌ودل‌باز + ی ← دست‌ودل + باز ← دست + و + دل

اگر در اولین مرحله «دست‌ودل‌بازی» را به «دست و دل» و «بازی» تجزیه کنیم، قابل قبول نیست زیرا مفهوم «بازی» در این واژه وجود ندارد.

ناتوانی: ناتوان + ی ← نا + توان

اگر «ناتوانی» را در مرحله‌ی اول به «نا + توانی» تجزیه کنیم، پذیرفتنی نیست، زیرا «توانی» نه اسم است نه صفت، نه بن فعل و نه وند.



اجزای حاصل از تجزیه‌ی واژه در هر مرحله باید یکی از چهار عنصر «اسم، صفت / قید، بن، وند» باشند و مفهوم آن‌ها نیز باید در واژه‌ی موردنظر احساس شود.

ناسازی: ناساز + ی ← نا + ساز (بن فعل از مصدر ساختن)

* «ناساز» یعنی ناهماهنگ و یکی از معانی مصدر «ساختن» مدارا کردن و سازگار شدن است.

ناهم‌خوانی: حالت اول: نا + هم‌خوانی ← هم‌خوان + ی ← هم + خوان

حالت دوم: ناهم‌خوان + ی ← نا + هم‌خوان ← هم + خوان

۱۳- گزینه‌ی ۲ واژه‌های مرکب: ۱- جنایت‌کار ۲- پرغوغا

واژه‌های مشتق- مرکب: ۱- شب‌نشینی ۲- باده‌گساری (گساردن: نوشیدن)

واژه‌های مشتق: ۱- ارزش ۲- نادیده ۳- ناراحت ۴- چندشناک (چندش + ناک) ۵- نواختن ۶- آسوده (بن ماضی «آسود» + ه)

۱۴- گزینه‌ی ۱ «بار» در «گرانبار» به معنی «بار و محموله» است. (گرانبار: کسی که باری گران و سنگین دارد) ← در

این‌جا «بار» اسم است؛ اما «بار» در سه واژه‌ی «زیانبار»، «مرگ‌بار» و «نفرت‌بار» بن مضارع مصدر «باریدن» است. (زیانبار: چیزی که از آن زیان می‌بارد / مرگ‌بار: چیزی که از آن مرگ می‌بارد / نفرت‌بار:)

۱۵- گزینه‌ی ۳ پوشالی: پوشال (آ) + ی (و) ← مشتق / توخالی: تو (آ) + خالی (آ) ← مرکب // چگالی: چگال * (آ) +

ی (و) ← مشتق // رندانه: رند (آ) + انه (و) ← مشتق // دُردانه: دُر (آ) + دانه (آ) ← کلوچه: امروزه تجزیه نمی‌شود ←

ساده // سراچه: سرا (آ) + چه (و) ← مشتق // زبان‌بازی: زبان (آ) + باز * * (آ) + ی (و) ← مشتق- مرکب // بی‌چارگی:

بی‌(و) + چاره (آ) + گی (و) ← مشتق // دلارام: دل (آ) + آرام (آ) ← مرکب // سراسر: سر (آ) + ا (و) + سر (آ) ← مشتق-

مرکب // سرشماری: سر * * * (آ) + شمار (آ) + ی (و) ← مشتق- مرکب // سراب: واژه‌ای عربی است و تجزیه نمی‌شود ←

ساده // سروان: تجزیه نمی‌شود ← ساده

* چگال: سنگین و متراکم

* * «باز» در این‌جا بن مضارع از مصدر «باختن» است که معنای «بازی کردن» نیز می‌دهد.

* * * «سر» در این‌جا مجاز از انسان است. (با این نکته‌های ریز در کتاب همایش ادبیات آشنا می‌شوید.)

۱۶- گزینه‌ی ۱ ۱- خواست + گار ← خواستگار ← (می‌خوانیم) خواستگار: کاهش^۱

۲- قند + دان ← قندان: ادغام

۳- زود + تر ← زودتر ← (می‌خوانیم) زوتر: ادغام

۴- یک + گانه ← یگانه: ادغام



باید توجه داشته باشید که «ادغام» نوعی خاص از کاهش یا ابدال است؛ درواقع هرگاه کاهش یا ابدال، میان دو واج

یکسان یا نزدیک به هم (از نظر واجگاه) اتفاق بیفتد به آن ادغام می‌گوییم؛ مثلاً خواندن (و نوشتن) «قندان» به شکل

«قندان» نوعی کاهش است که به دلیل آمدن دو واج / د / در کنار هم روی داده‌است، که به این نوع کاهش، ادغام

می‌گوییم. هم‌چنین خواندن «زودتر» به شکل «زوتر = زوت‌تر» نوعی ابدال است (واج «د» به «ت» تبدیل شده) اما

۱- البته «خواستگار» را گاهی به شکل «خواستگار» هم می‌خوانیم که در این حالت با فرآیند واجی افزایش روه‌رو هست.

چون این ابدال به دلیل هم‌نشینی دو واج / د / و / ت / که واجگاهی نزدیک به هم دارند اتفاق افتاده است، به آن ادغام می‌گوییم. (برای آشنایی کامل با فرآیندهای واجی و بررسی نمونه‌های بیش‌تر به درس دوم از کتاب «زبان فارسی راهبردهای یاددهی - یادگیری، انتشارات مبتکران» مراجعه کنید. البته در آخرین درس جلد دوم کتاب نشر دریافت نیز به این مبحث پرداخته‌ایم.)

۱۷- گزینه‌ی ۴ قلم + مو ← قلم مو ← قلمو (افتادن «م» به دلیل یکسانی دو واج مجاور هم است و گفتیم که به چنین کاهشی، ادغام می‌گوییم.)

شاد + باش ← شادباش ← شاباش (دو واج «د» و «ب» نزدیک به هم نیستند، پس نمی‌شود کاهش «د» را ادغام نامید.)
گل انار ← گلنار (روشن است که کاهش اتفاق افتاده است.)

۱۸- گزینه‌ی ۳ مفاعیل معمولاً جمع مفعول است؛ برای مثال مشاهیر، معاریف و مضامین جمع مکسر مشهور، معروف و مضمون هستند. (جمع مکتب چیست؟ بله، مکاتب.)